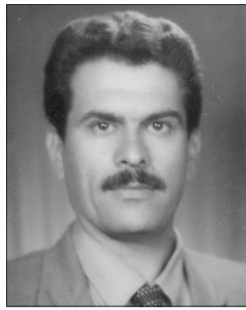


غزل قصیده

☑ زنده یاد محسن پزشکیان

بی تو بیداد شوره زار انم
شیون تلخ سوگوار انم
ابر دل مرده‌ی سترون سرد
بایر بی امید بار انم
مانده از هر چه هست دست و دلم
به تن خود نخوانده مهمانم
☐
پوست: دیوار وار بی روزن
استخوان: میله‌های زندانم
بانگ وحشت، طنین دهلیزم
باد حسرت، دوان بر ایوانم
می درد هفت بند تن هر دم
فهیقه دل شکاف دیوانم
☐
لاله در موج کوب سیلابم
سبزه در رهگذار طوفانم
می کند داغ درد و دود دروغ
گاه پیدا و گاه پنهانم
☐
خارخار ملالتم همه تن
خلوت خالی بیابانم
در ندانم کجای این برهوت
گم زیاد خدا و شیطانم
کوه تا کوه التماس و عطش
پهنه در پهنه ضجه سارانم
☐
رقص مرگم به زمهریر هراس
موج تن لرزه‌ی زمستانم
نیست دستم چرا به دستورم؟
نیست پایم چرا به فرمانم؟
☐
برق چشمان افعیان را باش!
راه، تاریک و پای، لرزانم
های! تنهایی ای زمرّد چشم
پرهان از گزند ایشانم



به یاد زنده یاد مرحوم استاد غلامرضا اصلاح پذیر

☑ داریوش دبیر

این آتش غم جلوه‌ی دردی به زمان است
از بهر سلامت دل و دین راه، نشان است
از دود و غمش کربُ بلا گشته چه تاریک
این نغمه‌ی جانسوز از آن سوت‌ه دلان است
بالله‌ی خونین، تو بکن یاد حسینی
سرفصل بهشتی که بگویند، در آن است
در سینه زنی سایه مکن بر دل خونت
زیرا ز دلت خون شهیدان فوران است
ای یار بیا قافله آمد به فدایش
تأخیر مکن جان حسینم نگران است
در راه حسین رفته تویی بی سر و سامان
ره گم نه کنی چون ره جاوید همان است
دستی بده در دست من و خادم او شو
اینجاست که عاشق همه جا مرد گران است
بلبل سر نی بُرده چنان مردم بی دین
آن خاک خوش کربُ بلا گریه کنان است
هر گریه چه دانی ره و مقصود زبانی ست
آن شور که آید ز دل آن، قند دهان است
از عاقبتش کیست؟ بدانند ز یزیدان
تا هستم و هستی به جهان نیز چنان است
این اشک که بینی دل خونبار دو عالم
پیوسته بخوانیش که خود ورد زبان است
اندر پی آن باش که عشقت به ستانی
افسوس که این دلبر ما دست کسان است
هر چند که با گریه دهی شرح حقایق
اما تو بدان تیغ جهان بر لب و جان است
تاریک بخواهد دل دشمن چو حسینم
اما نشود، تا که دلی خون روان است
جانانه حسینم زده مهری لب عالم
هر تیغ ز دشمن همه بین برگ خزان است
هر دل که بسوزد به عزای تو حسینم
آن اشک، که بیرون زودش تیر و کمان است
بعد از تو محرم، نشود خسته دو چشمان
فریاد حسینم به دلم نیز نهان است
راوی به قلم حق حسینم که نویسی
می کن به کتابت که جهان رو به فغان است
این خاطره می خوان ز گلی یار حسینی
بشنیدم و بشنو خبر این پند جهان است
اصلاح پذیر گفت و دبیر نیز بگوید
این سلسله هر دم لب شیرین و جوان است



معرفی کتاب

کتاب مداحی و مولودی

گلشن نوروزی

اثر اصغر نوروزی

منتشر شد

مراکز فروش:

کتاب فروشی های شهر کازرون



شعری به لهجه کازرونی

اوساها

☑ پرویز رمیار

اوساها رفاقتا آ نون نمک بی نه حالی
دوسایمو ضامینش عرش فلک بی نه حالی
سال نُو تو سَفرمو نقل و پیکک بی نه حالی
راه عبور آپشت بُون رُی سربونک بی نه حالی
رُی بُرازجون تو کُتل پیچ بد رودک بی نه حالی
زَمینوی درک دُوون پُر کورک بی نه حالی
دم بخت چرب ننه تُرشیش کُلك بی نه حالی
نون تُنک توی میسی بُوش مِث لُلك بی نه حالی
اوساها دوی مریش آش آخورک بی نه حالی
اَس قودوس کُل گُوزبُون کُل بابونک بی نه حالی
کَفتَرُوی همسادمو دونشو پَرک بی نه حالی
دُو گَئش و کُوت مادش جُفتیش سَرک بی نه حالی
وقتی کیم پَرندشو کَئش جُلك بی نه حالی
همیشه نُو چرخیدن چوب رو قُلك بی نه حالی
بَعد بارون تَنگسه لیش زیر قُچک بی نه حالی
بازیا اَ صَب تا شو رو سَر تَکک بی نه حالی
کیلی مُسه بازی یَم پُر دُو دُوک بی نه حالی
بازی شیرشکار تو شو هَمش کُلك بی نه حالی

پیکک: تهیه شده از ذرت

رودک: روستایی نزدیک کازرون

درک دُوون: زمین های اطراف روستای دوان

سَرک: نام کبوتری است

کیلی مُسه و شیرشکار: از بازی های قدیمی

علی اصغر

☑ مهتاب خواجه‌ای

آسمان ابری از گرد و غبار اسبها و دودها، باران خون، جوانه‌های عطش گرفته، دامن دشت، گل می کند عطش بر خاک، خون گلی شش ماهه... اشک مشک درمی آورد.

خونش آب مشک، مشک تشنه و ناکام، نامی شد میان کودکان... تنها پهلوان شش ماهه...



منتظر داستان و اشعار شما هستیم

لطفاً مطالب خود را با درج شماره تلفن به دفتر روزنامه یا آدرس الکترونیکی ذیل ارسال نمایید. ضمناً روزنامه در ویرایش مطالب ارسالی، آزاد است و مطالب ارسالی برگشت داده نمی‌شود.

tolou2@yahoo.com

کارشناس سرویس ادبی - هنری: محمدعلی اصلاح‌پذیر

